

نقدی بر دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی

● محمد خداجوی*

کارشناس ارشد مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی

کودکان و نوجوانان اشاره کرد که تاکنون چند جلد از آن‌ها منتشر شده و مجلدهای بعدی آن‌ها نیز در دست انتشار است. از جمله مواردی است که بر عمر کوتاه دانشنامه‌نویسی در ایران صحنه می‌گذارد و مؤید این مسأله‌است که این حرکت علمی، فرهنگی و دانش‌دوستانه، حرکتی نوپا و البته خجسته‌است.

گفته‌اند که دانشنامه‌ها در حقیقت شناسنامه‌های حقیقی یک ملت‌اند. از این نظر انتشار دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی را بعنوان یک پدیده فرهنگی، به فال نیک می‌گیریم و به کسانی که در تهیه و تدوین آن مشارکت داشته و زحمات فراوان کشیده‌اند، خسته نباشید می‌گوییم.

آنچه که می‌توان درباره دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی بیان کرد این است که این اثر مایه مباهات و فخر همه کتابداران و اطلاع‌رسانان این دیار است. هم‌چنین مطالب آن به سبب تحولات و نیازهای امروزی، علاوه بر مسائل مربوط به جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی، برخی از مطالب علوم رایانه و نیز مباحث مربوط به اینترنت را نیز پوشش می‌دهد که این امر به لحاظ پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی کتابداران و اطلاع‌رسانان ضرورتی غیرقابل انکار است. چنین مطالبی به سبب روزآمد بودن و نیز تعریف دقیق و جامع آن، کمتر در آثار و منابع دیگر به چشم می‌خورد.

موارد مطرح شده در این بررسی به هیچ‌وجه به معنی نفی تلاش‌های تهیه‌کنندگان، دست‌اندرکاران و نویسندگان مقالات این دائرةالمعارف نبوده و نیست، بلکه مواردی است که عمدتاً بر اساس انتظار جامعه فرهنگی، بویژه کتابداران و اطلاع‌رسانان مطرح می‌شود.

به‌طور کلی نکات مورد بررسی در این پژوهش به چهار دسته عمده تقسیم شده‌اند که درباره هر کدام از آن‌ها به اختصار



● دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سرویراستار
عباس خوری، ویراستار همکار نرگس نشاط؛
دستیاران علمی محمدحسن رجبی، نرگس نشاط،
تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،
۱۳۸۱- ج. ۱.

به‌طور کلی پدیده دانشنامه‌نویسی به شکل امروزی آن در کشور ما از قدمت زیادی برخوردار نیست و عمر آن بیش از دو دهه نمی‌باشد. اگر با کمی دقت تاریخچه برخی از این دانشنامه‌ها را مرور کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که شروع فعالیت اغلب آن‌ها به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. برای اثبات این ادعا می‌توان به انتشار دانشنامه‌هایی چون دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، دائرةالمعارف تشیع، دانشنامه جهان اسلام و نیز فرهنگنامه

این اثر مایه مباهات و فخر همه کتابداران و اطلاع‌رسانان این دیار است. هم‌چنین مطالب آن بسبب تحولات و نیازهای امروزی، علاوه بر مسائل مربوط به جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی، برخی از مطالب علوم رایانه و نیز مباحث مربوط به اینترنت را نیز پوشش می‌دهد

بحث خواهد شد.

۱. کاربرد نادرست و نامفهوم برخی مدخل‌ها

۲. عدم رعایت یکدستی در شیوه نگارش و صفحه‌آرایی

۳. عدم یکدستی مدخل‌ها و پانویس‌ها

۴. غلط‌های املائی

کتاب»، به آن کتاب مراجعه کند.

گزینش برخی از مدخل‌ها با سیاست و ضوابط کلی مدخل‌گزینی دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی که همان رایج بودن یک اصطلاح از میان مترادف‌های گوناگون آن است، چشم‌پوشی شده‌است. یکی از این مدخل‌ها، «ارتباطات دوربرد» است. کاربرد این اصطلاح حتی در نزد متخصصان و صاحب‌نظران این حرفه نیز جای بحث دارد و میزان استفاده از این اصطلاح در مقایسه با اصطلاح «ارتباط از راه دور»، از بسامد کمتری برخوردار است. در این باره می‌توان با استناد به ویرایش دوم واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی ابوالفضل هاشمی، بسامد استفاده از آن‌ها را از سوی متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه مورد ارزیابی قرار داد. در این واژگان اصطلاح «ارتباط از راه دور»، پنج بار، و «ارتباطات دوربرد» - اصطلاح پیشنهادی - تنها یک بار از سوی متخصصان بکار گرفته شده‌است.

در مدخل پایگاه‌های اطلاعاتی کتابداری و اطلاع‌رسانی، بخشی با عنوان «اجزا و عناصر» تشکیل دهنده پایگاه‌های ایزا و لیزا به‌چشم می‌خورد که در حقیقت به فیلدهای مورد جست‌وجو در این دو پایگاه اشاره دارد. فیلدهای موجود در این پایگاه‌ها با سرنام‌های لاتین مشخص شده‌اند. اما این سرنام‌های بکار رفته برای خوانندگان بسیار نامفهوم است. شاید راحت‌ترین سرنام‌های قابل درک برای خوانندگان، فیلدهای شماره‌دستیابی (AN) و مؤلف (AU) است. اما سرنام‌های دیگر مانند (CT, CU, CY, AI) به‌هیچ وجه برای خواننده قابل درک نیست و واژه خاصی را در ذهن آن‌ها تداعی نمی‌کند.

ذیل مدخل «رده‌بندی کتابخانه‌ای» صفحه ۸۸۹، بخشی با عنوان «انواع رده‌بندی» آمده‌است که در آن رده‌بندی‌های مختلف کتابخانه‌ای آورده شده‌است. این درحالی است که شرح و توصیف کامل این رده‌بندی‌ها به‌طور مفصل در مدخل الفبایی خود آمده‌است. علاوه بر این، در مدخل نام‌پدیدآورنده و مبتکر این رده‌بندی‌ها مانند رانگانانان، دیویی، اتله و ... توضیحات

۱. کاربرد نادرست و نامفهوم برخی مدخل‌ها

نخستین موردی که درباره کاربرد نادرست مدخل‌ها می‌توان به آن اشاره کرد، استفاده از مدخل پیشگفتار به‌جای دیباچه در صفحه‌های مقدماتی دائرةالمعارف است. چنانکه در مدخل الفبایی، به پیشگفتار مراجعه کنیم این واژه به دیباچه ارجاع داده شده‌است، اما در صفحه‌های مقدماتی کتاب از «پیشگفتار» به‌جای دیباچه استفاده شده‌است.

یکی دیگر از مدخل‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد، تعریف بهای کتاب است. کاربردی نبودن این مدخل برای مخاطبان، ایرادی است که می‌توان به آن وارد کرد. آنچه که در تعریف این مدخل آمده‌است به سرگذشت بهای کتاب در نزد تمدن‌های مختلف و نوع نگرش آن‌ها به مسأله قیمت کتاب در جهان اسلام و دیگر مسائل آن پرداخته‌است. اما به مسأله‌ای که ممکن است برای همه خوانندگان سؤال برانگیز باشد، اشاره‌ای کوتاه شده‌است؛ اینکه چگونه قیمت یک کتاب محاسبه و برآورد می‌شود خود می‌تواند برای هر خواننده‌ای جای سؤال باشد. به‌عبارت دیگر بر اساس چه معیاری بهای تمام شده یک کتاب بدست می‌آید و چه عواملی در قیمت آن مؤثرند که در نهایت در پشت جلد کتاب، مشخصات نشر و یا هر جای دیگر آن درج می‌شود. البته لازم است اشاره شود که توضیح این مسأله در مدخل حق‌التألیف آمده‌است. اما به‌نظر نمی‌رسد همه مخاطبانی که به دنبال بهای کتاب هستند به مدخل حق‌التألیف رجوع کنند. حتی نویسنده محترم مدخل حق‌التألیف، مطالب مورد نظر خود را از کتابی استخراج کرده‌است که ناچار بوده بعنوان «بهای

تقریباً جامعی درباره آن‌ها نوشته شده است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که تکرار تمامی رده‌بندی‌هایی که در مدخل الفبایی خود و نیز در مدخل پدیدآورنده آمده‌اند، در مدخل «رده‌بندی کتابخانه‌ای» بی‌مورد و غیرضروری بوده است.

در صفحه ۱۲۰، بند ششم، جمله به این صورت آغاز شده است. «تا قرن سیزدهم قمری فرزندان اکثر ایران مردم از ادب عامیانه و ادبیات دینی بهره‌مند می‌شدند». با مشاهده این جمله چنین می‌توان نتیجه گرفت که این مسأله بسبب عدم نمونه‌خوانی نهایی پس از اعمال ویراستاری بوجود آمده است.

۲. عدم رعایت یکدستی در شیوه نگارش و صفحه‌آرایی

از جمله مواردی که در دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی بسیار به چشم می‌خورد، عدم یکدستی در شیوه نگارش و نشانه‌گذاری‌ها است. عدم دسترسی به شیوه‌نامه نگارشی مدون در بین نویسندگان و گردآورندگان مقاله‌ها باعث شده است تا هر یک از نویسندگان، شیوه نوشتاری خود را در سراسر دائرةالمعارف اعمال کنند، به همین سبب ملاحظه می‌کنیم که شیوه نوشتاری برخی واژه‌ها و اصطلاحات، که نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر خواهد شد، در سراسر کتاب بصورت‌های گوناگون و گاهی «متفاوت» مشاهده می‌شود.

در این بررسی، شیوه نگارش و عدم رعایت یکدستی، با تأکید بر واژه‌ها و اصطلاحات کتابداری و اطلاع‌رسانی و حوزه‌های وابسته به آن است. اما در آغاز، نمونه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات غیرتخصصی، اشاره می‌شود که عدم رعایت یکدستی در شیوه نگارشی آن‌ها بیشتر به چشم می‌خورد، این واژه‌ها و اصطلاحات عبارت‌اند از: «پیگیری» و «پی‌گیری»، «سروکار» و «سر» و «کار»، «زیست پزشکی» و «زیست‌پزشکی»، «سیاست‌گذاری» و «سیاست‌گذاری»، «نام‌گذاری» و «نام‌گذاری» «هم‌ارز» و «هم‌ارز» و نیز برخی از آن‌ها که کمتر به چشم می‌خورد، شامل: «پاسخ‌گویی» به جای «پاسخگویی»، «پیش‌گفته» به جای «پیشگفته»، «گواهی‌نامه» به جای «گواهینامه».

در بررسی برخی از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی، نخستین واژه‌ای که در این زمینه می‌توان بعنوان نمونه به آن اشاره کرد، خود واژه «دائرةالمعارف» است. این واژه روی جلد و صفحه حقوقی بصورت دائرةالمعارف آمده است، اما در صفحه عنوان، مدخل‌ها و سراسر متن کتاب بصورت دائرةالمعارف بکار رفته است.

در نگارش اسامی برخی از اشخاص نیز از شیوه‌های نگارشی متفاوتی استفاده شده است. برای مثال «ابن ندیم»، در مدخل الفبایی خود به همین شکل، با فاصله نوشته شده است، اما در تمامی متن بصورت بی‌فاصله یعنی «ابن ندیم» درج شده است. ولی ابن‌اهواری، ابن‌بواب و ... در مدخل اصلی خود به همین

شیوه نگارش واژه‌های تخصصی در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و حوزه‌های وابسته به آن می‌تواند الگویی برای کلیه متون و نوشته‌های علمی و پژوهشی این حوزه و حوزه‌های وابسته باشد

شکل بی‌فاصله، اما در متن اصلی جدا از هم نوشته شده‌اند. در این میان ابن مسکویه و ابن مقفه در همه جا با فاصله نوشته شده‌اند و ابن حجر به شکل بی‌فاصله بکار رفته است.

هم‌چنین در این اثر، «پل اُتله» در مدخل اصلی خود در صفحه ۹۹، و نیز در صفحه ۸۷۶، مدخل رده‌بندی دهدهی جهانی به همین صورت آورده شده است. اما در صفحه ۸۸۹، مدخل رده‌بندی دهدهی جهانی، چندین بار بصورت «پل اوتله» مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین مسائل، عدم یکدستی در شیوه نگارش واژه‌های تخصصی در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و حوزه‌های وابسته به آن است. ضرورت رعایت این مسأله می‌تواند از جنبه‌های مختلف، بسیار مهم و درخور باشد. از سوی، شیوه نگارشی این اثر می‌تواند مبنایی باشد برای استفاده از واژه‌ها و اصطلاحاتی که به شیوه‌ها و سیاق‌های مختلف در متون تخصصی این حوزه بکار می‌روند. در حقیقت این شیوه نوشتاری می‌تواند الگویی برای کلیه متون و نوشته‌های علمی و پژوهشی این حوزه و حوزه‌های وابسته به آن باشد. از سوی دیگر، از آنجا که برای تهیه و تدوین مقاله‌های آن از مشارکت نیروهای متخصص این حوزه که برای اولین بار بصورت گروهی برای خلق و تولید اثری علمی مشارکت داشته‌اند، استفاده شده است، این انتظار در مخاطبان بوجود می‌آید که با شیوه نگارشی علمی، دقیق، صحیح و یکدستی مواجه شوند. اما دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی چنین نکرد، و حتی در بهره‌گیری از واژه‌ها و اصطلاحات وابسته به حوزه خود نیز کوتاهی کرده است، چنانکه برخی از این واژه‌ها و اصطلاحات را به شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار داده است. در اینجا نمونه‌ای از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

در ابتدای دائرةالمعارف واژه «فهرستنویسی» به همین صورت چسبیده به هم استفاده شده است، اما با مطالعه بیشتر مدخل‌ها این گمان در خواننده ایجاد می‌شود که این شیوه

نوشتاری درست نیست، بلکه واژه یا اصطلاح صحیح آن باید «فهرست‌نویسی» باشد. به هر حال یکدستی در بکارگیری این واژه در سراسر اثر وجود ندارد. به‌طور نمونه، به برخی از صفحاتی که واژه «فهرست‌نویسی» آمده‌است، اشاره‌ای می‌کنیم:

در صفحه ۶۴ پاراگراف سوم، صفحه ۱۰۳، پاراگراف دوم و سوم، صفحه ۱۰۴، پاراگراف اول، صفحه ۱۱۰، پاراگراف هفتم، صفحه ۱۱۷، پاراگراف سوم و چهارم، صفحه ۱۵۱، پاراگراف اول، صفحه ۵۶۱، پاراگراف دهم، صفحه ۸۶۸، پاراگراف ششم، صفحه ۸۶۹، پاراگراف چهارم، و ...

هم‌چنین واژه «فهرست‌نویس» نیز در سراسر کتاب به‌همین شکل مورد استفاده قرار گرفته‌است، اما در صفحه ۱۰۳، پاراگراف اول، صفحه ۹۰۵، پاراگراف سوم، بصورت «فهرست‌نویس» آورده شده‌است.

در این میان، از واژه‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، رده‌بندی «کولن» یا «کولون» است. این واژه از سوی نویسندگان محترم این دو مقاله در مدخل «رده‌بندی کولن در صفحه‌های ۸۹۰ و ۸۹۸، به‌همین شکل بکار رفته‌است. اما در صفحه ۸۹۹، پاراگراف دوم، از آن به رده‌بندی «کولون» یاد می‌شود. اما از آنجا که نویسنده مقاله «رانگاناتان» صاحب‌نظر دیگری است، این واژه را در صفحه‌های ۸۶۱ تا ۸۶۳، بصورت «رده‌بندی کولون» بکار برده‌است.

طبق اصول بیان شده در پیشگفتار دائرةالمعارف، کلمه‌هایی که با ترکیب «شناس» و «شناسی» نوشته می‌شوند باید جدا نوشته شوند و بکارگیری اصطلاحاتی که ترکیب «شناسی» در آن‌ها بصورت پیوسته و بدون فاصله نوشته شده‌است، غلط است. از سوی دیگر در سراسر دائرةالمعارف، مشاهده می‌کنیم که اصطلاح «کتابشناسی» به‌همین صورت بکار رفته‌است. اما این اصطلاح با آنچه که بعنوان قاعده و شیوه نگارشی دائرةالمعارف پذیرفته شده، مغایرت فراوان دارد. بنابراین اگر قرار بود این اصطلاح به‌همین صورت در دائرةالمعارف بکار رود، بهتر بود آن را مانند برخی از اصطلاحات و واژه‌هایی که در پیشگفتار اثر، کلمه استثنا را برای آن‌ها بکار برده است، مشخص می‌شد. هم‌چنین واژه «زبان‌شناسی» و «روانشناسی» نیز وضعیتی مشابه آنچه در بالا آمده‌است، دارا می‌باشند.

نمونه دیگر این‌گونه اصطلاحات، واژه پایان‌نامه‌است که در سراسر کتاب بصورت «پایان‌نامه» بکار رفته، اما در صفحه ۵۵۸، پاراگراف دوم، «پایان‌نامه» آمده‌است. اصطلاح دیگر واژه «لغتنامه» است که در دائرةالمعارف به‌همین شکل بکار رفته، اما در صفحه ۳۲، پاراگراف پنجم، بصورت «لغت‌نامه» و در صفحه ۲۱۳، پاراگراف ششم، به‌شکل «لغت‌نامه» آمده‌است.

از سوی دیگر اصطلاح «قرائت‌خانه» در سراسر کتاب به‌همین صورت آورده شده‌است. اما در صفحه ۱۴۳، پاراگراف ششم و

صفحه ۱۷۰، پاراگراف یازدهم، این اصطلاح به‌شکل «قرائت‌خانه» مورد استفاده قرار گرفته‌است. اصطلاح «کتابدوست» نیز همه جا به‌همین صورت، اما در صفحه ۲۲۷، پاراگراف دوم بصورت «کتاب‌دوست» آمده‌است. کلمه «خوش‌نویسی» در صفحه ۱۸۴، پاراگراف سوم، بصورت «خوش‌نویسی» بکار رفته‌است. درحالی که این کلمه در همین صفحه بصورت خوشنویسی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌است. هم‌چنین در مدخل مهدی بیانی صفحه ۵۳۵، پاراگراف سوم، هر دو شیوه نگارشی آن نیز مشاهده می‌شود.

نمونه دیگر این‌گونه اصطلاحات، «حروفچینی» است. این اصطلاح در برخی مدخل‌ها بصورت «حروفچینی» و «حروف‌چینی» بکار رفته‌است. به‌طور مثال در مدخل حروفچینی از سوی نویسنده محترم مقاله زنده یاد کریم امامی به‌همین صورت، اما در مدخل افسست، این اصطلاح فقط بصورت «حروف‌چینی» آمده‌است.

یکی دیگر از اصطلاحاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، اصطلاح «تکواژه» است. این اصطلاح در صفحه ۶۲۰، پاراگراف دوم و صفحه ۸۹۸، پاراگراف اول به‌همین شکل، اما در صفحه ۸۵۳، پاراگراف دوم بصورت «تک واژه‌ای» مورد استفاده قرار گرفته‌است.

نمونه دیگری از این موارد که می‌توان به آن اشاره کرد، اصطلاح «اصطلاحنامه» است که در صفحه ۸۹۲، پاراگراف دوم بصورت «اصطلاح‌نامه» بکار رفته‌است. از سوی دیگر، هرکدام از نویسندگان و گردآورندگان مقالات بر اساس شیوه نگارشی خود اصطلاح «مواد دیداری و شنیداری»، «منابع دیداری و شنیداری»، «وسایل سمعی و بصری» و «وسایل دیداری و شنیداری» را برای بیان یک مفهوم بکار برده‌اند و یکدستی نگارشی در مورد آن‌ها رعایت نشده‌است.

برخورد دوگانه با واژه‌های رایانه‌ای یکی دیگر از مواردی است که در دائرةالمعارف به‌چشم می‌خورد. به‌طور مثال در سراسر کتاب، اصطلاح «صفحه فشرده» برای این محمل اطلاعاتی بکار رفته‌است. اما «لوح فشرده» در صفحه ۲۸۰، پاراگراف اول، صفحه ۵۶۵، پاراگراف سوم و صفحه ۷۱۵، پاراگراف دوم، و «دیسک فشرده» در صفحه ۱۵۱، پاراگراف پنجم، صفحه ۲۱۱، پاراگراف آخر و صفحه ۸۵۴، سطر چهارم، به‌جای این اصطلاح بکار رفته‌است. این درحالی است که وقتی در دائرةالمعارف به مدخل «دیسک فشرده» مراجعه می‌کنیم ما را به مدخل «صفحه فشرده» ارجاع می‌دهد.

هم‌چنین اصطلاح «چند رسانه‌ای» در سراسر کتاب بصورت بی‌فصله بکار رفته‌است، اما در صفحه ۲۴۲، پاراگراف اول، بصورت «چند رسانه‌ای» آمده‌است.

به کارل بروکلمان ندارد، این سرصفحه تکرار شده است. نمونه دیگر اشکالات صفحه آرایی، در صفحه ۱۷۷، پاراگراف دهم است. در این صفحه واژه ونیستوک آمده است، اما پانویس آن در صفحه ۱۷۸، قرار گرفته است.

در صفحه ۱۲۸، مطالب آن هنوز به پایان نرسیده و جمله ناتمام است و صفحه ۱۲۹، نباید با تورفتگی و پاراگراف جدید آغاز شود. اما صفحه ۱۲۹، با پاراگراف جدید شروع شده است. مدخل «الغ بیگ» نیز از نظر ترتیب الفبایی در محل صحیح خویش قرار نگرفته است.

۳. عدم یکدستی مدخل‌ها و پانویس‌ها

عدم یکدستی مدخل‌ها یکی دیگر از مواردی است که در دائرةالمعارف مشاهده می‌شود. در این باره می‌توان به مدخل «آقا بزرگ طهرانی»، «محمد محسن بن علی» و «الذریعة الی تصانیف الشیعة» و نیز مدخل «ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق» و «الفهرست» اشاره کرد. چنانکه به دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی مراجعه شود در خواهیم یافت که آقا بزرگ طهرانی در مدخل الفبایی خود آمده، اما اثر بزرگ او یعنی الذریعة در مدخل الفبایی خود قرار نگرفته و به مدخل پدیدآورنده آن ارجاع داده شده است. این در حالی است که ابن ندیم و کتاب الفهرست او هر دو در محل الفبایی خود دارای مدخل مجزا هستند. به نظر نمی‌رسد که کتاب الذریعة آقا بزرگ طهرانی از نظر اهمیت و ارزش علمی که حاصل سال‌ها تحقیق است نسبت به الفهرست ابن ندیم از مقام و منزلت کمتری برخوردار باشد. از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که دائرةالمعارف در گزینش مدخل‌ها از خطمشی واحدی پیروی نکرده است.

عدم رعایت یکدستی در مدخل و پانویس اشخاص، مورد دیگری است که می‌توان به آن اشاره کرد. بعنوان مثال بیشتر شخصیت‌ها بصورت مقلوب در شناسه‌ها قرار گرفته‌اند و در پانویس، برابر انگلیسی آن‌ها به همان شکل آمده است. در این میان بی‌یرس باتلر و جرج کینگرلی زیپف و ... نیز بصورت مقلوب در محل الفبایی خود قرار گرفته‌اند، اما پانویس لاتین آن‌ها بصورت غیرمقلوب یعنی Pierce Butler و Georg Kingsly Zipf نوشته شده است.

در مدخل اشخاص، پس از بیان نام خانوادگی، علامت ویرگول، سپس نام وی آورده می‌شود. اما برای مهدی بیانی، پس از نام خانوادگی، علامت نقطه، یعنی «بیانی. مهدی» بکار رفته است.

از طرف دیگر، پانویس لاتین مدخل‌های کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگونی ذکر شده است. این گونه موارد می‌توانست با رعایت الگویی واحد که منجر به یکدستی و نظم خاصی شود، برطرف گردد. در بسیاری موارد، برابر انگلیسی اسامی کشورها

در بکارگیری از اسامی موتورهای کاوش نیز از شیوه نگارشی یکسانی پیروی نشده است. چنانکه در مدخل اینترنت، این واژه بصورت «اکسایت» و در مدخل «پست الکترونیکی» به شکل «اکس‌سایت» بکار رفته است. نمونه دیگر این گونه واژه‌ها در مدخل اینترنت، صفحه ۴۳۲، پاراگراف شش، واژه «وب کرولر» است. اما در صفحه ۴۳۴، با دو صفحه اختلاف، در مدخل ابزارهای کاوش اینترنت، از این موتور کاوش به «وب کرالر» یاد شده است.

بنابر پیشگفتار دائرةالمعارف در بکار بردن مصدرهای مرکب و گروه‌های فعلی، باید اصل بر جدانویسی اجزا باشد. اما مشاهده می‌کنیم که این مسأله رعایت نشده و به سیاقی غیر از آنچه در پیشگفتار ذکر شده، عمل شده است. برای مثال نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم:

در سراسر دائرةالمعارف «درب‌گرفتن» به‌همین صورت، جدا از هم بکار رفته است. اما به‌طور نمونه در صفحه ۱۶۷، پاراگراف دوم، صفحه ۳۵۷، پاراگراف پنجم، صفحه ۵۵۸، پاراگراف ششم، به‌شکل «درب‌گرفتن»، بی‌فاصله آمده است. «درب‌داشتن» نیز در مقاله‌های گوناگون بصورت جدا از هم بکار رفته، اما در صفحه ۳۹، پاراگراف چهارم، صفحه ۵۶۰، پاراگراف دوم، به‌شکل «درب‌داشتن» مورد استفاده قرار گرفته است.

در پیشگفتار، شیوه املائی کلمات در دائرةالمعارف آورده شده و در استفاده از الف مقصوره در فارسی چنین آمده است: «این نوع کلمات باید بصورت «ا» نوشته شوند». اما در صفحه ۶۲ پاراگراف پنجم و صفحه ۱۲۰، پاراگراف ششم کلمه مستثنا بصورت «مستثنی» نوشته شده است.

در صفحه ۶۰ پاراگراف پنجم، واژه «همطراز» به‌همین شکل بکار رفته است. اما در صفحه‌های ۱۳۵، پاراگراف سوم، صفحه ۱۵۸، پاراگراف دوم، صفحه ۸۶۳، پاراگراف سوم، بصورت «همتراز» مورد استفاده قرار گرفته است. ولی بهتر بود این واژه بصورت جدا از هم و بی‌فاصله، «هم‌تراز» نوشته می‌شد.

هم‌چنین واژه «جرئت» در صفحه ۲، پاراگراف دوم، به‌همین صورت بکار رفته، اما در صفحه ۸۷۹، پاراگراف دوم، به‌شکل «جرات» نوشته شده است.

در صفحه ۱۴۹، پاراگراف سوم، برای نمایشنامه‌نویس یونانی، اوریبید یا یوریبید، «آئورویپیدس» آمده است. اما در صفحه ۷۰۳، پاراگراف اول اسم این نمایشنامه‌نویس بصورت «اوریبید» بکار رفته است.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، صفحه‌آرایی غلط در سرصفحه دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی است. به‌طور مثال مدخل «کارل بروکلمان» از صفحه ۴۸۷، شروع شده و در صفحه ۴۸۹، به‌پایان رسیده است. اما در سرصفحه ۴۹۰، که مربوط به مدخل بروندی است و ربطی

علوم وابسته؛

۲. پیروی نویسندگان و گردآوردندگان مقالات از شیوه‌نامه تدوین شده؛

۳. لزوم نمونه‌خوانی پس از اعمال ویرایش و حروف‌چینی نهایی در جلدهای بعدی و چاپ بعدی جلد اول؛

۴. بررسی سیاست انتخاب مدخل‌ها از دیدگاه کاربردی یا غیرکاربردی بودن آن‌ها؛

هم‌چنین بهتر بود به‌جای کلمه دائرةالمعارف از دانشنامه استفاده می‌شد. برتری این واژه بر واژه دائرةالمعارف به چند دلیل زیر می‌باشد:

۱. دائرةالمعارف کلمه سنگین و نامأنوسی است.

۲. هرچند دانشنامه هنوز خیلی متداول نیست، اما اگر کسی این واژه را بشنود برای او غیرقابل فهم نیست. از این رو واژه‌ای که نامفهوم نیست بهتر می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد و برعکس واژه‌ای که مفهوم نیست کمتر مورد قبول واقع می‌شود. از سوی دیگر این واژه بعنوان برابرنامه واژه دانشنامه در همین دائرةالمعارف بارها و بارها از سوی مترجمان و گردآوردندگان مورد استفاده قرار گرفته‌است.

۳. دانشنامه واژه‌ای ریشه‌دار و کهن است و از قرن پنجم در دانشنامه علائی که به زبان فارسی نوشته شده کاربرد دارد به‌همین معنی داشته‌است. چنانکه دانشمند ایرانی، ابن سینا، در قرن پنجم، عنوان کتاب خود را دانشنامه علائی (۴۱۴-۴۲۸) گذاشت.

۴. چنانکه پیش از این اشاره شد، دانشنامه به هیچ‌وجه یک ساخت تازه و به اصطلاح قرن بیستمی نیست و در تاریخ و ادبیات فارسی از سده‌های پیشین تا به امروز این واژه بکار رفته‌است. اما دائرةالمعارف هیچ چیزش به زبان فارسی نمی‌خورد، حتی در آن از حرفی بهره گرفته شده (ة یا ة) که در الفبای فارسی نیست و ما را در نوشتن آن با مشکل مواجه کرده‌است.

به امید آنکه بزودی شاهد چاپ و انتشار مجله‌های بعدی دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی باشیم.

پانویس:

*Khodajouy@yahoo.com

منابع:

۱. «میزگرد نقد و بررسی دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی». کتاب ماه کلیات، سال هفتم، شماره سوم و چهارم (اسفند ۸۲ و فروردین ۸۳).

۲. هاشمی، ابوالفضل. واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی: واژگان دانش‌ورزی و دانش‌رسانی... انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی، تهران: دبیرش، ۱۳۷۹.

در پانویس ذکر نشده‌است، اما برخی کشورها مانند افریقای مرکزی، امارات متحده عربی، بلژیک، پاراگوئه و ... از این قاعده مستثنا شده و برابر انگلیسی نام آن‌ها در پانویس آمده‌است.

۴. غلط‌های املائی

از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد مشاهده برخی غلط‌های املائی در دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی است. چنانکه در صفحه ۸۱۸، پاراگراف دوم، جمله درست به‌همین شکل آمده شده‌است: «ضمیمه‌های ۱-۱۰ ۲۵ (جلدهای ۳۶-۴۵) بالغ بر ... دو مدخل را شامل می‌شود». در حقیقت این جمله سه اشکال اساسی دارد. اول اینکه بعد از ۱-۱۰ باید یک نشانه یا واژه‌ای آورده می‌شد تا خواننده را مرتکب اشتباه نکند؛ دوم آنکه خواننده ممکن است مفهوم این جمله را اصلاً درک نکند؛ سوم اینکه چنین مسأله‌ای می‌تواند به دلیل عدم نمونه‌خوانی نهایی، بصورت ناتمام (بالغ بر ...) بدست چاپ سپرده شود.

در صفحه ۱۷۶، مدخل استناد، پاراگراف دوم، سطر هشتم، عبارت «این علم با گذشت زمان چنان وسعت و یافت که تبدیل به ...» آغاز شده‌است که آوردن حرف ربط «و» در این جمله اضافی و بی‌مورد است.

در صفحه ۵۰، خط چهارم، جمله به این صورت آمده‌است: «مطابق با نیاز این گروه و پایه دری آنان سازماندهی شده‌است» که «پایه دری» بی‌معنی بوده و باید «پایه درسی» باشد.

در صفحه ۱۹۵، پاراگراف چهارم، جمله به این صورت آغاز شده‌است: «تصویب نخستین قانون کتابداری در ۱۹۱۹ تقطه عطف توسعه کتابداری در ...» که در اینجا «تقطه عطف» نیز باید «نقطه عطف» باشد.

در مدخل مهدی بیانی بخشی با عنوان «آثار» آمده‌است که جمله آن به این صورت آغاز می‌شود: «از بیانی فقط، حذف شود. کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری برجای مانده‌است.» از قرار معلوم، نکته اضافی که وارد این جمله شده، از سوی ویراستار برای اصلاح متن مقاله بکار رفته‌است، اما حروفچین این نکته را جزو متن آورده‌است. از سوی دیگر از آنجا که متن تایپ شده پس از حروف‌چینی، به‌دقت مورد بررسی قرار نگرفته، این اشکال نیز رفع نشده‌است.

پیشنهاد

آنچه در پایان بعنوان پیشنهاد مطرح می‌شود، مواردی است که بصورت مفصل در متن مقاله درباره آن‌ها بحث شده‌است که در این مبحث، فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌شود و برخی نکات جدید نیز به‌منزله پیشنهاد مطرح می‌شود:

۱. لزوم تهیه و تدوین شیوه‌نامه نگارش بویژه برای واژه‌ها و اصطلاح‌های بکار رفته در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و